روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول : مهدی رحمانیان
نشانی : تهران ، خیابان آفریقا ، بلوار گلشهر ، پلاک ۴۶
تحریریه:۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر : ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع : ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها:۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن : ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر : ۶۶۴۰۴۱۶۵ ،امور فنی ، آتلیه و لیتوگرافی : روزنامه شرق
چاپ: ■ افست : کیلومتر ۴ جاده آبعلی ، روبه روی خیابان سازمان آب ، تلفن : ۷۷۳۳۹۰۹۳
■طوطی : خیابان مصطفی خمینی ، بعد از چهارراه سرچشمه ، پلاک ۶۹۰ ، تلفن : ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز : جاده قدیم کرج ، فتح ۱۷ ، پلاک ۲۹ ، تلفن : ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۲۸ ■ دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۸۵ ■ ۱۲ رجب ۱۴۲۷ ■ ۷ آگوست ۲۰۰۶

آبادان	+۳۴+۴۵	بیرجند	+۲۴+۴۰	سنندج	+۱۸+۳۳	همدان	+۱۶+۳۵
اراک	+۱۹+۳۵	تهران	+۲۵+۳۷	شهرکرد	+۲۲+۳۵	یاسوج	+۲۱+۳۵
اردبیل	+۱۷+۲۹	تبریز	+۱۶+۳۲	شیراز	+۲۴+۳۵	یزد	+۲۶+۴۱
ارومیه	+۱۸+۳۳	خرم‌آباد	+۲۰+۳۷	قزوین	+۱۷+۲۷	دبی	+۳۵+۴۰
اصفهان	+۲۰+۳۸	رشت	+۲۵+۲۷	کرمان	+۲۳+۳۴	نجف	+۳۹+۴۳
اهواز	+۳۱+۴۵	زاهدان	+۲۵+۳۶	کرمانشاه	+۱۶+۳۲	مکه	+۳۱+۳۸
ایلام	+۲۲+۳۴	زنجان	+۱۵+۳۲	کاشان	+۲۳+۴۴	مدینه	+۳۲+۳۵
بجنورد	+۲۲+۳۹	زابل	+۲۸+۴۳	کیش	+۳۰+۳۶	لندن	+۱۷+۲۷
بندرعباس	+۳۰+۴۴	ساری	+۲۲+۲۶	گرگان	+۲۴+۳۴	پاریس	+۱۵+۲۴
بوشهر	+۳۵+۳۷	سمنان	+۲۲+۳۷	مشهد	+۲۴+۳۷	استانبول	+۱۷+۲۷

تهران : اذان ظهر ۱۰ : ۱۲ اذان مغرب ۲۳ : ۱۹ اذان صبح فردا ۴۱ : ۳

بررسی علل شکست انقلاب مشروطه

ادامه از صفحه اول

به نظر کروبی آسیب شناسی این نهضت ها نشان می دهد فاصله گرفتن از شعارهای اولیه و اعلام شده مهم ترین دلیل تفرقه ای است که بعداً در مشروطه پدیدار شد و به شکست آن منتهی شد. کروبی افزود: درباره مشروطه نظریات مختلفی داده شده است اما همه صاحب نظران بالاتفاق می گویند جنبش مشروطه حرکتی مقدس بود و گام مهمی هم برداشته شد اما ناکام شد و به نتایج مطلوب نرسید و طولی هم نکشید که از درونش استبداد رضاخانی بیرون آمد. من فکر می کنم در تحلیل هر جنبش و حرکتی باید به چند نکته توجه کرد. اول اینکه ببینیم پیشگامانش چه کسانی هستند؟ پیشینه آنها چه است و چه می خواهند. بعد اگر به اهداف نرسیدند ببینیم که یا کلک زدند و به مردم دروغ گفتند یا اینکه می گوییم نه؛ آنها مواضع شان را گفتند و مردم هم همراهی کردند اما بعدها شعارها عوض شد و بحث ها دگرگون شد و تفرقه به وجود آمد. همه تقریباً این دو نکته را قبول داریم و تفرقه را موجب ناکامی می دانیم. خیلی قبل از مشروطه زمینه اش در محافل دینی است و پیشگامانش هم علما و روحانیون هستند. خب آقای آدمیت مواضعش مشخص است و می گوید روحانیون عامل موثر و اصلی هیجان ملی به شمار می رفتند و قدرت آنها در نفوذ در افکار عامه و طبقه متوسط کسبه و تجار بود. نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان جزء مستندترین وقایع نگار های مشروطه بوده که وقتی به آن نگاه می کنیم متوجه می شویم که کل قضیه در ذیل دین و در خانه علما اتفاق افتاده است. من منظورم این است که علما در جنبش مشروطه نقش داشتند و حرفشان هم معلوم است پس ما هر چیزی را که بخواهیم واقعیتش را بررسی کنیم باید اول ببینیم که خواسته های پیشگامانش چه بوده آن وقت مراقب بود که آن مسیر طی شود اما در مشروطه انحراف به وجود آمد و مسیر اولیه طی نشد و بین رهبران اختلاف پیش آمد. در هر حرکتی اگر بخواهیم مسیرش منحرف نشود و اهداف اولیه دنبال شود باید به حرکت اولیه وفادار ماند و حرف های دیگر نباید جای حرف ها و شعارهای اول را بگیرد. کروبی سپس میان شکست مشروطیت و شکست اصلاحات پیوندی ایجاد کرد و افزود: چرا راه دور می روید در همین جنبش اصلاحات نیز میان اهداف اولیه و راه طی شده فاصله وجود داشت صریحاً بگویم آقای خاتمی می گفت که شعارهای من مصادره شده و بسیاری از آن چیزهایی که می گویند من نگفته ام. همین انحراف سبب تفرقه و سرانجام شکست می شود و دست آخر یاس و سرخوردگی حاکم می شود. کروبی با اشاره به اثرگذاری اصلاح طلبان بر محافظه کاران گفت: افتخار می کنیم که زبان آنها مثل زبان ما شده است. اما زبان کافی نیست شاید آنها هم فهمیده اند که ما دکانی درست کردیم و حالا می خواهند آنها هم دکانی درست کنند اما مغز و قلب باید اصلاح طلب و دموکرات باشد. کروبی در آسیب شناسی شکست مشروطه فقدان احزاب قدرتمند را مهمترین آفت شکست مشروطیت و اصلاحات دانست و افزود: دموکراسی واقعی بدون رقابت احزاب معنا ندارد. آن هم نه احزاب قدرت ساخته بلکه احزاب نیرومندی که بتوانند برای کسب قدرت رقابت کنند.

■طباطبایی: علما، روشنفکران و مشروطه

دیگر سخنران مورد توجه همایش دیروز دکتر سیدجواد طباطبایی بود. سیدجواد طباطبایی که چندی است از آمریکا به وطن بازگشته از صبح به همراه همسرش در همایش حضور یافته بود و در حالی که در هیچ یک از همایش های سده مشروطه در اروپا و آمریکا شرکت نکرده بود در همایش اصلاح طلبان حاضر شد و بدون برنامه ریزی قبلی به دعوت برگزارکنندگان سخنرانی کرد. سخنرانی وی چنان جذاب و دقیق بود که محسن کدیور دو دقیقه از رئیس جلسه وقت گرفت و چند مطلب جامانده در سخنرانی اش را به عنوان استنادات سخنرانی طباطبایی بیان کرد. در واقع طباطبایی که خود صبح دیروز شنونده سخنرانی کدیور بود در آغاز اعلام کرد که مایل است در ادامه سخنان کدیور درباره آخوند خراسانی به طرح این مسئله بپردازد که آیا علمای مشروطه خواه تصور درستی از مشروطه داشتند یا در پی عدالت و . . . راهی جنبش مشروطه خواهی شدند؟ طباطبایی نظریه بی اطلاعی علما از مشروطه را رد کرد و گفت: اتفاقاً اگر قرار باشد افرادی از مشروطه خبر داشته باشند همین علما هستند. جواد طباطبایی برای اثبات نظریه خود به چند نکته توجه کرد: اول- اندیشه مشروطه اولین بار در انگلستان تجربه شده است گرچه این تصور که «مشروطه یک برنامه انگلیسی بود» غلط است اما انگلیسی ها ۸۰۰ سال سابقه دولت مشروطه دارند و منتسکیو و توکویل تقدم انگلیس را تایید کرده اند. دوم - اندیشه مشروطه و نظریه دولت قانون تنها یک تئوری مدرن نیست تاریخ مدرنیته مربوط به چند صدسال اخیر است اما مشروطه در انگلیس ۸۰۰ سال سابقه دارد و این نشان می دهد که مشروطه ریشه در سنت دارد و نه فقط مدرنیته. سوم - بنیان اندیشه دولت قانون از دل ادیان الهی به دست می آید. اصولاً ادیان الهی چون فقه دارند از نظریه دولت قانون به معنای قانون شرع دفاع می کنند. چهارم - اندیشه مشروطه در ایران صدسال سابقه ندارد، از دویست سال قبل از تبریز شروع شده است و علمای دین چون برداشت دقیقی از فقه داشتند و چون فقه با حقوق نسبت دارد دقیقاً می دانستند مشروطیت چیست. این درحالی است که روشنفکرانی مانند آخوندزاده و ملکم خان هیچ تصور درستی نه درباره غرب داشتند و نه اسلام. طباطبایی افزود: خواسته هایی مانند پروتستانتیسم و سکولاریسم و نظریه هایی مانند هرمنوتیک و کلام جدید درباره فهم اسلام کارگشا نیست. من رسماً اعلام می کنم بحث سکولاریسم در ایران کاملاً پا در هوا است. سکولاریسم در ایران و اسلام نه ممکن است، نه مفید است، نه امکان آن وجود دارد و نه می تواند به وجود آید. اگر قرار است به تجربه گذشته توجه کنیم و برای آینده عبرت بگیریم باید از اینکه پروژه علمایی مانند آخوندخراسانی، علامه نائینی، محلاتی و . . . را ادامه ندادیم و به تجربه های درخشانی مانند مجلس اول در تبدیل فقه به قانون توجه نکردیم از خود انتقاد کنیم. نه اینکه به حرف های روشنفکران توجه نکردیم و صاحب «مشروطه ایرانی» شدیم. طباطبایی وعده داد تفصیل این بحث را به زودی در کتاب جدیدش درباره «نظریه مشروطه و دولت قانون» منتشر کند.

■حجاریان: تالیف مشروطه

سعید حجاریان اولین سخنران جلسه صبح بود که ریاست آن را عبدالله ناصری برعهده داشت. او از تکالیف معوقه مشروطه گفت و ادعا کرد ما هنوز در عصر مشروطه ایم. «یک قرن از جنبش مشروطه ایران می گذرد و آنچه مهم است نگاهی انتقادی به این جنبش از زاویه دید جامعه امروز ایرانی است. ذیل این رویکرد، به زعم من، ما کماکان در عصر مشروطیت به سر می بریم. به این اعتبار که موانع تحول جامعه ایرانی، کماکان به قوت خود پابرجا است.» او که به دلیل کسالت قادر به خواندن متن سخنانش نبود در بخش دیگر سخنانش به تشریح جنبش مشروطه پرداخت: «جنبش مشروطه ایران در نظامی پاتریمونیال ظهور یافت و تکالیفی را برعهده گرفت. اولین وظیفه مشروطه حاکمیت قانون است. قانون فارغ از محتوای آن، باید ویژگی های شکلی و فرمی مشخصی داشته باشد. یکی از معادل های مشروطه، قانون است.» او افزود: «دومین تکلیف مشروطه تفکیک قوا است اگرچه این روند معمولاً سال ها به طول می انجامد و تکلیف سوم تثبیت اصل تساوی مردم در برابر قانون است. جنبش مشروطه ایران برخلاف نمونه های موفق خود، هیچ گاه در مسیری مستمر و پایدار به معیارهای خود نزدیک نشده است. این امر سبب بازتولید نظامی پاتریمونیال و استقبال توده مردم از چکمه پوشی به نام رضاخان شد.» حجاریان در ادامه، از مصدق و آرمان های او سخن گفت و از فقدان طبقه متوسط در ایران دوران مشروطیت به عنوان اصلی ترین عامل معوق ماندن تکالیف این جنبش یاد کرد: «مصدق یک مشروطه طلب واقعی بود که با رویکرد تفویض اختیارات شاه به دولت، مجدداً شعار مشروطیت را زنده کرد: شاه باید سلطنت کند نه حکومت. به هر صورت، کودتای ۲۸ مرداد روند تازه اوج یافته مشروطه خواهی را مجدداً با افول مواجه کرد.» «چرا با وجود سال ها تلاش، تکالیف مشروطه در ایران هنوز معوق مانده است؟ مهمترین دلیل، فقدان طبقه ای خودآگاه است.» حجاریان به سه گرایش موجود میان روحانیان مشروطه خواه اشاره کرد و فقدان استبداد منور و وضعیت اقلیمی - اجتماعی ایران را از دیگر عوامل ناکامی مشروطه برشمرد. «هنوز در فاصله ای معنی دار از معیارهای مشروطیت به سر می بریم و به این اعتبار ما هنوز در عصر مشروطه ایم.»

■نیلی، اقتصاد سیاسی مشروطه

مسعود نیلی دیگر سخنران همایش مشروطه اصلاح طلبان بود. او ابتدا به تبیین رویکرد اقتصاد سیاسی در بررسی تاریخ پرداخت و از معایب دیگر رویکردها به تاریخ سخن گفت: «در اغلب رویکردهای تاریخی، توانایی تعمیم نتایج ضعیف است و این رویکردها قادر نیستند توضیح دقیقی از شرایط به دست دهند. طبق رویکرد اقتصاد سیاسی، انگیزه های بشری در طول تاریخ ثابت است اما شکل آن تفاوت پیدا می کند. در این رویکرد، بر تضاد منافع بین بازیگران اصلی تاکید می شود و این تحلیل توضیح می دهد که چرا مشروطه دچار شکست شد.» نیلی سپس به معرفی بلوک های اصلی جامعه ایران در عصر قاجار پرداخت و آنها را به تفکیک بررسی کرد. نهادهایی مانند شاه، دربار، دولت، تجار و بازاریان، روحانیان و روشنفکران. او پس از برشمردن منافع هریک از این گروه ها گفت: «با توجه به این شرایط غیرواقعی به نظر می رسد که جامعه آن زمان خواسته های مترقی ابراز کند و گروه های دیگری وجود داشته اند که انگیزه های مشروطه خواهی را در جامعه ایران برمی انگیخته اند. تجار در غیاب نظام های مدرن مالی، ایفای نقش می کرده اند و روشنفکران به شیوه های گوناگونی خواسته های مشروطه خواهانه را دنبال می کردند.» بخش بعدی سخنان نیلی به تشریح نقاط اشتراک و افتراق منافع این گروه ها اختصاص داشت. او سپس به شرایط نابسامان محیطی جامعه ایران از دیدگاه اقتصاد، فرهنگ، سیاست بین الملل پرداخت و سخنانش را با این جمله به پایان برد: «در شرایطی که هم حکومت و هم مردم ضعیف باشند گروه هایی که اشتراک منافع زیادی دارند، بسیار تاثیرگذارند.»

■غنی نژاد، آرای ملکم خان

دومین سخنران اقتصادی همایش، موسی غنی نژاد بود. او در ابتدای سخنانش از رویکرد اقتصادی دکتر نیلی به مشروطه دفاع کرد و مشروطه را تجربه شکست اصلاحات نامید. او به اولین اندیشه های فلسفه اقتصادی در مشروطه اشاره کرد و گفت: «اولین کسی که به صورت منسجم درباره مباحث مطرح اقتصادی در اندیشه مدرن سخن گفت میرزا ملکم خان ناظم الدوله بود؛ شخصیتی که تا به امروز منفور است. ملکم خان - جدای از اینکه چه منافعی داشته و چگونه عمل کرده است- برای اولین بار به قانون در مفهوم مدرن آن می پردازد و از تکلیف دستگاه حکمرانی در برابر مردم سئوال می کند.» او این نگاه ملکم را رویکردی جدید به حکومت دانست و افزود: «ملکم خان وجود دولت و حاکم را در چارچوب یک رابطه تجاری می بیند و عقیده دارد انجام وظایف دولت مستلزم امنیت است و دستگاه حکمرانی، کارگزار مردم برای حفظ این امنیت است.» او در پایان علت کنار گذاشته شدن افکار ملکم خان را حاکم شدن آرمان های ناسیونالیستی و سوسیالیستی دولت مدار دانست.

■کدیور؛ مکتب سیاسی آخوند خراسانی

محسن کدیور نیز یکی دیگر از سخنرانان روز دوم همایش مشروطه بود. محمدتقی فاضل میبدی به عنوان رئیس جلسه کدیور را به سخنرانی دعوت کرد و او نیز ابتدا با دو نقل قول از احمد کسروی و تقی زاده درباره اهمیت نقش علمای نجف در جنبش مشروطه سخنانش را آغاز کرد. او آخوند خراسانی را مهم ترین مرجع نجف در آن روزگار دانست که در کنار میرزا محمدحسین تهرانی، عبدالله مازندرانی، شیخ اسماعیل محلاتی و میرزا محمدحسین نائینی در نجف حامی مشروطه خواهان بودند. او ممیزات مکتب سیاسی آخوند خراسانی را اینگونه برشمرد: «آخوند اعتقاد دارد حکومت مشروعه در خاندان اهل بیت (ع) است. آخوند خراسانی سایر حکومت ها را عادلانه یا ناعادلانه می داند و همچنین اعتقاد دارد در تدبیر حوزه عمومی فقیهان از امتیاز ویژه ای نسبت به دیگران برخوردار نیستند.» کدیور پس از این مقدمه، به آگاهی و بینش بالای آخوند خراسانی در تبیین اهداف مشروطه اشاره کرد و به بررسی جامعه مشروطه از دو دیدگاه حقوق مردم و جایگاه دین پرداخت: «آخوند عقیده دارد اساس مشروطیت مبتنی بر آزادی است و در حاکمیت مشروطه، ملت است که زمام تمام امور را بر عهده دارد.» کدیور پس از اینکه کمی به اندیشه های آخوند خراسانی پرداخت آرای او را در سه حوزه قضائیه، مجریه، مقننه و شورای نگهبان بررسی کرد.

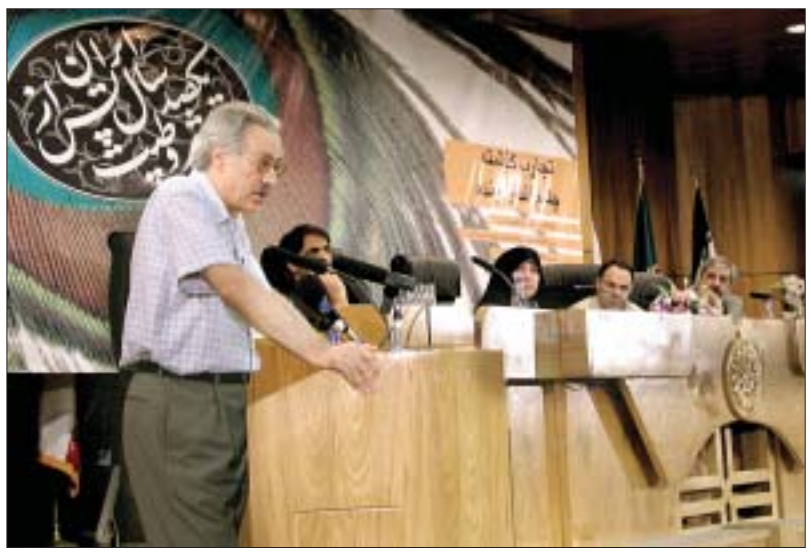

■عبدی؛ بلای نفت

نوبت به عباس عبدی رسیده بود. او آخرین سخنران جلسه اول بود و از دغدغه حاکمیت قانون و رانت نفت سخن گفت. عبدی سخنانش را با پرداختن به اهمیت عدالت نزد مشروطه خواهان آغاز کرد و مشکل اصلی جامعه پیش از مشروطه را نبود عدالت دانست: «به رغم تمام تلاش های صد سال گذشته جامعه ایران، نیاز امروز ما به قانون کمتر از گذشته نیست. قوانین و تبصره های بی شماری تصویب شده اند اما به معنای دقیق، قانون وجود ندارد.» عبدی سپس به تعریف قانون پرداخت و از علل حکمفرما نشدن قانون در جامعه ایرانی سخن گفت: «عده ای دلیل حاکم نشدن قانون در ایران را مسائل بین المللی دانسته اند و برخی ساختار اقتصادی و اجتماعی را عامل این امر دانسته اند اما به عقیده من هیچ کدام از این دلایل نتوانسته ما را ۱۰۰ سال دور نگه دارد مگر آن که دلیلی ساختاری باشد.» او همچنین به برداشت صوری مشروطه خواهان و روشنفکران از مفهوم قانون پرداخت و در پایان گفت: «اگر یک اتفاق در ایران رخ نمی داد، مشروطه به نتیجه می رسید. آن اتفاق آغاز فروش نفت است. همبستگی کامل و روشنی میان سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد با عدم حاکمیت قانون وجود دارد.»

علما و نظریه مشروطه

متن سخنرانی دکتر سید جواد طباطبایی

عده ای می گویند معنای مشروطیت در زمان اوج این جنبش به درستی فهم نشده است و بسیاری از نویسندگان از این نظر دفاع کرده اند که روحانیان شرکت کننده در جنبش مشروطه خواهی گرچه موثر و فعال بوده اند اما به درستی نفهمیده اند که مشروطیت چیست. من این مطلب را از دکتر آدمیت نقل می کنم به دلیل اینکه از ایشان ذکری کرده باشم زیرا به هر حال راه اساسی را در مقدمات شناخت تاریخی مشروطه خواهی، ایشان باز کرده اند. اگر کار او را نقد می کنم تنها به این دلیل است که کار او عظیم و قابل توجه است. او در جلد اول کتاب «ایدئولوژی مشروطیت ایران» می گوید که روحانیت در مشروطه شرکت کرده اما مشروطه خواهی را به معنای دقیق کلمه که از حقوق طبیعی ناشی شده و در اروپا تاسیس شده است نمی دانسته اند. هر چند آقای آدمیت در کتاب بعدی خود به عنوان یک محقق طراز اول پس از بررسی نزدیک مذاکرات مجلس اول، حق بسیاری از علما را ادا می کند. تذکر یک نکته مهم به نظر می رسد. ما نه تاریخ اندیشه و نه تاریخ نویسی درستی داریم و با رویکردهای جدید این حوزه هیچ آشنایی نداریم. آنچه ما درباره اروپایی ها می دانیم بسیار ابتدایی، سطحی و در خیلی موارد کاملاً نادرست است. بسیاری از نویسندگان و مترجمین ما نمی دانستند درباره چه سخن می گویند. ۱۰۰ سال است از مشروطه بحث می کنیم اما کسی نگفته منشاء مشروطیت چیست. ایران مخترع مشروطیت نبوده است، هر چند امیرکبیر ۱۵۰ سال پیش به پدر ملکم خان گفت که خیال مشروطه در سر داشته است و این واژه ۱۵۰ سال است که در ادبیات ما به کار می رود اما به راستی سابقه این فکر در جاهای دیگر چیست؟ در تاریخ می خوانیم که اولین کاروان معرفت از تبریز به راه افتاد و در آذربایجان بود که جنبش مشروطه خواهی به نتیجه خود رسید. اولین دانشجویان از تبریز به انگلستان رفتند و فکر مشروطه خواهی از انگلیس وارد ایران شد. انگلستان از برخی جهات به ما شباهت داشت و ما نیز می توانستیم شبیه آنها متحول شویم. در انگلستان، تجدد پیش از همه جا در کلیسا به وجود آمد. در واقع نظام مشروطیت انگلیس حاصل تحولی در داخل الهیات و فقه مسیحی است. جوانه های فکر حکومت قانون در ادیان الهی به وجود آمده است. دلیل آن این است که در جهان بی قانون، این ادیان هستند که قانون آورده اند و بنایشان بر این است که هر نظام حکومتی باید حکومت قانون شرع را بپذیرد. اتفاق مهمی که در انگلستان روی داد این بود که نظریه قانون شرع به قانون جدید تبدیل شده است هر چند نظرات مشروطه خواهی در انگلستان سابقه ای ۸۰۰ ساله دارد. اتفاقاً تنها کسانی که معنای جدید مشروطه را متوجه شده اند علما بوده اند. روشنفکران ما مطلع به مقدمات این بحث ها هم نبوده اند. اطلاعات ملکم خان از اندیشه سیاسی جدید در حد درس های دبیرستانی بود. در مقابل او علمایی چون آخوند خراسانی، نائینی و محلاتی تمام مقدمات فکری و اصول بحث های سیاسی را می دانستند و اگر کار اساسی انجام شده باشد آنها انجام داده اند. اینجا ذکر دو نکته مهم به نظر می رسد. آخوند خراسانی، نائینی و محلاتی به بحث اندیشه سیاسی جدید نزدیک می شوند و نظریه مصالح عمومی را طرح می کنند. این برای اولین بار است که تحولی در داخل کلام شیعی صورت می گیرد و در محدوده نظریه حکومت نیز تعریف می شود. این بحث، نظریه دیگری را باز می کند که همان مشروطیت است. این اتفاق بسیار شبیه به اتفاقی است که در الهیات مسیحی روی می دهد. بیان علما از فرمول بندی های علوم سیاسی بسیار دقیق است. نکته دیگر این است که اتفاق مهمی در مجلس اول رخ داد و اگر ما مجلس اول را بفهمیم متوجه می شویم مجلس اول به راهی می رفت که روشنفکری و غیرروشنفکری ما به آن بی توجه بوده است. در مجلس اول برای اولین بار نظام حقوق شرع به حقوق جدید تبدیل می شود. اسلام با هرمنوتیک و پروتستانتیسم سازگار نیست و اتفاقاً مجلس اولی ها فهمیده بودند که نقطه گرانیگاه نظام سنت در ایران فقه است؛ اگر این حقوق را متحول کردید، نظام را متحول کرده اید. اشکال از مشروطه خواهان نبوده است. اشکال از ما است که نفهمیده ایم آنها چه کرده اند. آنها راه حکومت قانونی را باز کردند. به شریعتی نگاه کنید: او تصور می کرد با ایدئولوژیک کردن دین می تواند آن را وارد جامعه کند در حالی که اتفاقاً با این کار دین از جامعه خارج می شود. در جامعه ای که فقه مناسبات ما را تنظیم می کرد نظریه محلاتی و نائینی راه حکومت قانونی را در ایران باز کرد. این نفهمیدن معنای مشروطه بود که رشته های آنان را پنبه کرد و راه را ۵۰ سال برای ما بست. لازم است پیش از آنکه برای مشروطه جشن بگیریم، روی این پیام اساسی تامل کنیم. پراتیک نظری مشروطیت، موضوع بسیار مهمی است. عملی که نظر هم بوده است، عملی که در حوزه اسلام به نتیجه رسیده و ما به آن بی توجهی کرده ایم. باید روی این اتفاق تامل کنیم.

■رئیس نیا؛ انجمن ایالتی آذربایجان

پس از سخنان کدیور و تشویق بی امان حضار، رحیم رئیس نیا به جایگاه سخنرانی دعوت شد و به تفصیل درباره شکل گیری و فراز و فرودهای انجمن ایالتی آذربایجان سخن گفت. او ساز و کارهای مختلف انجمن های مخفی آذربایجان را برشمرد و انجمن ایالتی آذربایجان را برخاسته از درون ملت خواند: «انجمن ایالتی آذربایجان به قدری قدرت و دامنه داشت که اعتراض برخی از اهالی مجلس شورای ملی تهران را برانگیخت هرچند منشأ این اعتراضات، شایعات بی اساسی بود که مخالفان این انجمن رایج کرده بودند.» او در پایان سخنانش به دستاوردهای این انجمن پرداخت و فعالیت های آن را به سه دوره تاریخی تقسیم کرد که با جنگ خونین به پایان رسید.

■سیدآبادی؛ مکتب خانه تا مدرسه

علی اصغر سیدآبادی روزنامه نگار اصلاح طلب سخنران بعدی بود. او تلاش کرد با استناد به شواهد و منابع تاریخی موجود، دقایقی از سیر گذار جامعه ایران به مدرسه نوین سخن بگوید. «آموزش و پرورش در دوران ما، بحثی روشنفکرانه نیست. برعکس در مشروطه تمام روشنفکران از جایگاه مهم آموزش و پرورش در روند پیشرفت ایران سخن گفته اند و حتی گاهی اظهارنظرهای اغراق آمیزی از نقش این نهاد ارائه کرده اند.» سیدآبادی سپس به بیان نظرات میرزافتحعلی خان آخوندزاده و عبدالرحیم طالبوف درباره آموزش و پرورش پرداخت و سخنانش را با نقل قول هایی از یحیی دولت آبادی درباره اهمیت آموزش و پرورش در بیداری ایرانیان ادامه داد. یحیی دولت آبادی از اعزام دختران به خارج از کشور برای تحصیل حمایت می کند و از جوانان فرنگ رفته ای که درس نمی خوانند به شدت انتقاد می کند. پایان سخنان سیدآبادی سه ویژگی گذار از مکتب خانه به مدرسه بود: «اول این که قبل از تشکیل مدارس ابتدایی، مدارس عالی در ایران شکل می گیرند. ضمن این که فاصله بین تاسیس مدارس دخترانه و پسرانه نیز زیاد است. تفکرات متولیان آموزش و پرورش آن روزگار معطوف به تکنیک بوده و آنها تصور می کردند علم، بسته ای آماده است که از غرب وارد می کنند و دانش آموزان مدرن می شوند.»

■شکوری؛ سید جمال الدین واعظ

حجت الاسلام ابوالفضل شکوری تمام بحث خود را معطوف به آرا و نظرات سید جمال الدین واعظ اصفهانی کرد. شکوری از نظرات عدالت محور سید جمال الدین گفت و به روش استدلالی او در بحث های قانونی و سیاسی اشاره کرد: «سید جمال الدین عقیده دارد نبود آزادی باعث همه بلاهای کشور است و برای این جمله، استدلال های قرآنی و فقهی فراوانی می آورد. سید جمال الدین واعظ بر شایسته سالاری تاکید فراوانی دارد و آرای او درباره حقوق انسانی و حقوق بشر، قابل تامل است.» شکوری سخنان خود را با تاکید بر بومی سازی اندیشه های غربی برای پیشبرد اهداف آزادیخواهانه به پایان برد: «اخیراً بحثی با عنوان تقلیل مفهوم مشروطه مطرح می شود به این معنا که سران مشروطه، مشروطه را نمی فهمیده اند و برای اجرای آن، تقلیلش داده اند. این حرف، هیچ پایه علمی ندارد. کافی است نگاهی به کتاب سید جمال الدین واعظ بیندازید و ببینید که او تعاریف علوم سیاسی را همانند علمای این علم در غرب تبیین می کند.» جلسه دوم نیز با توصیه محمدتقی فاضل میبدی برای شرکت در انتخابات انجمن صنفی روزنامه نگاران به پایان رسید تا هادی خانیکی سخنرانی اش را بعدازظهر روز دوم، آغاز کند.

■خانیکی؛ گرانیگاه مطبوعات

زهرا شجاعی رئیس جلسه بعدازظهر بود. او از خانیکی دعوت کرد تا درباره روند فعالیت مطبوعات از مشروطه تا امروز سخن بگوید. خانیکی ابتدا مدل تحلیلی خود را که مبتنی بر متغیرهای کمی و کیفی بود توضیح داد و بحث را آغاز کرد. او در تمام بحث خود دوره مشروطیت و دوره رضاخانی را مقایسه می کرد و خصوصیات هرکدام را برمی شمرد. خصوصیاتی که تاثیر مستقیم بر کمیت و کیفیت مطبوعات ایرانی داشتند. «مشروطه خواهان به گونه ای روزنامه نگار بوده اند و بسیاری از روزنامه نگاران نیز جزء فعالان جنبش مشروطه به شمار می روند. بین ساحت قدرت و توسعه مطبوعات رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. هرچه حکومتی متمرکزتر باشد، مطبوعات توسعه نیافته ترند.» او همچنین پنج شاخص را برای قدرت تعریف کرد: «تمرکز، ثبات دولت ها، سهم قدرت نظامی، نحوه پراکندگی نهادهای مدنی و میزان دخالت دولت در اعمال نظارت بر جامعه، متغیرهایی هستند که بسته به شرایط سیاسی، تغییر می کنند.» او سپس وضعیت جامعه مدنی را در دو دوره مذکور مقایسه کرد و سخنانش را اینگونه به پایان برد: «امروز باید بیشتر به ساختار قدرت بیندیشیم. نگاه گذشته من هابرماسی بود اما پس از مشاهده تجربیات مطبوعات ایران پس از انقلاب، احساس می کنم لازم است روایتی فوکویی از جایگاه مطبوعات در ایران داشته باشم.»

■قاسمی؛ تلاش گام به گام مطبوعات

سید فرید قاسمی شناخته شده ترین پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران است. عنوان سخنرانی او «تلاش گام به گام مطبوعات ایران، از آغاز تا فرمان» بود. قاسمی اینگونه آغاز کرد: «هفتاد سال منتهی به مشروطه، یکی از دشوارترین دوران روزنامه نگاری در ایران است. ۱۸ سال طول کشید تا در دوره محمدشاه، با درخواست میرزا صالح جهت چاپ روزنامه موافقت کردند و اولین نشریه در ایران متولد شد.» قاسمی سپس به اوضاع مطبوعات ایران در دوره ناصری پرداخت و از ظرافت های روزنامه نگاران آن دوره سخن گفت: «روزنامه نگاران عهد ناصری با وجود همه فشارها به وظایف خود عمل کردند.» ادامه سخنان قاسمی به اوضاع مطبوعات ایران پس از مشروطیت اختصاص داشت. او از نقش روزنامه تربیت سخن گفت و شرایط ایران پس از مشروطه را تشریح کرد. قاسمی سخنانش را اینگونه به پایان برد: «تجارب را دفن نکنیم، محیط پر از سوءظن و آفت است. روزنامه از لوازم یک جامعه پیشرفته است هرچند آورنده آن نیست.»

■امجد؛ درام مشروطه

حمید امجد نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر ایران، پیش از آن که سخنانش را آغاز کند علت پیراهن آستین کوتاهش را گرمای قلب الاسد دانست و از حضار عذرخواهی کرد. بحث او درباره الگوهای تجدد در درام مشروطه بود: «ادبیات نمایشی به مفهوم جدید خود در ایران، همزاد تجدد بوده است. نخستین درام پرداز ایرانی همان نخستین نگره پرداز تجدد هم هست؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده.» امجد با تاکید بر دو نگره «مقلد» و «مولد» در ادبیات دراماتیک ایران، به مقایسه نگاه، زبان، درام و تفکر دو نمایشنامه نویس دوران مشروطیت پرداخت و آنها را با هم مقایسه کرد: «موید الممالک و کمال الوزاره، هرکدام به نوعی بر ادبیات دراماتیک مشروطه، تاثیر گذاشته اند. با موید الممالک مرزهای طبقات اجتماعی ایران پررنگ می شود و کمال الوزاره با به کارگیری زبان های گوناگون، آثار یکدستی می آفریند.» امجد پس از بررسی کامل خصوصیات درام این دو نویسنده، به جامعه پس از آنها پرداخت و سخنانش را با توجه دادن همه به مقوله فرهنگ به پایان برد: «با تجربه این همه جابه جایی قدرت و بهتر نشدن اوضاع آیا باز هم باید حوزه عینی و سیاسی را بر حوزه های فرهنگی رجحان داد؟»

■رجبی؛ دستاوردها

احمد مسجدجامعی در حالی بر صندلی ریاست بخش پایانی همایش تکیه زده بود که محمدحسن رجبی قرار بود از دستاوردهای فرهنگی و سیاسی روحانیت در مشروطیت سخن بگوید: «صدور صدها نامه و تلگراف در تایید مشروطه خواهان، ظهور روزنامه های مستقل تحت نظارت روحانیان و تاثیرات رسانه ای آنها بر مشروطه، نقش های مهمی است که روحانیان در مشروطه ایفا کردند.»

■ناطقی؛ انتقاد از ناکامی

ناطقی جوان ترین سخنران همایش مشروطه بود و طبیعی به نظر می رسید رویکردی دانشجویی و رادیکال را در سخنان خود پیگیری کند. او چالش های اصلی ایران مشروطه و ایران امروز را چالش های مذهب و اندیشه، روشنفکری، فرهنگی، اقتصادی و ساختاری توصیف کرد و پس از توضیح درباره آنها و نگاهی به گفتمان های دوران مختلف تاریخ سیاسی ایران به انتقاد از اصلاح طلبان نیز پرداخت.

■صدر؛ زن در طنز

رویا صدر آخرین سخنران همایش بود که مقاله خود را درباره زنان و جایگاه آنان در ژورنالیسم مشروطه ارائه کرد. او ابتدا به چهره دوگانه زن در طنز ایرانی پرداخت و گفت: «در اندیشه های مشروطه، به زنان نگاه نوگرایانه ای وجود ندارد. البته یک استثنا به نام بی بی فاطمه استرآبادی وجود دارد که بافت جنسیتی را در طنز مشروطه به هم می ریزد و جامعه مردسالار را به انتقاد می گیرد. زن ایرانی در طنز، راه درازی را پیموده است و امروز منتقد و هراسناک از تنگ نظری های جریان مسلط جامعه است.»

■جمع بندی همایش توسط احمد مسجدجامعی

در پایان همایش و پیش از سخنان مهدی کروبی، احمد مسجدجامعی نتایج همایش را اینگونه جمع بندی کرد: یک سئوال وجود داشت که چگونه از بین این همه مسائلی که در جامعه ما هست به سراغ واقعه تاریخی مشروطیت، که بحثی چالش برانگیز است، رفته اید؟ آیا این حرکت تاریخی می تواند حداقل برای فهم بهتر شرایط امروز کمک کند. با این همه اختلافی که در مباحث بود؟ وقتی به گذشته رجوع می کنیم به کلمات، معانی و مفاهیمی برخورد می کنیم که در قالب نگارش ها و جزوه هایی ارزشمند در دوره مشروطیت خلق شدند و در طول این صدسال پیوسته در حوزه نظر و عمل اجتماعی ما حضور داشته اند. مفاهیمی که در اندیشه متفکران آن د